

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیانات امام خامنه ای در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور

۱۴۰۱/۵/۵ | Khamenei.ir



طراحی و تنظیم: پایگاه نمو

www.nomov.ir

فهرست

- آگاهی از اهمّیت جایگاه نماز جمعه..... ۴
- جایگاه و خصوصیات نماز جمعه..... ۵
- نماز جمعه، حلقه ای بسیار مهم در سلسله‌ی قدرت نرم نظام اسلامی..... ۱۱
- نکاتی درباره منش و روش و شیوه‌ی زندگی امام جمعه..... ۱۳
- نکاتی در مورد خطبه‌های نماز جمعه..... ۲۱
- هدف دشمنان از شبهه پراکنی..... ۲۴
- مثالی از شبهه پراکنی‌های غربی‌ها: مسئله‌ی زن در جامعه‌ی اسلامی..... ۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا محمّد و آله الطّاهرين
سيّما بقيّة الله في الارضين.

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی آقایان محترم، برادران عزیز از سراسر کشور،
شاغلان در یک مرکز بسیار حسّاس و بسیار مهم؛ و خوشحالم که بحمدالله
بعد از چند سال – دو سه سال – بار دیگر این جمع را توانستیم از نزدیک
زیارت کنیم. و به فال نیک میگیرم تقارن این جلسه را با ایّام متعلّق به
اهل بیت (علیهم السّلام)؛ از عید غدیر گرفته تا روز مباهله و نزول سوره‌ی
هل آتی و نزول آیه‌ی ولایت و این برکاتی که تقریباً در این روزهای در این
هفته وجود داشته و دارد. و امیدواریم که ان شاء الله خداوند به برکت پیغمبر
و اهل بیت پیغمبر (علیهم الصّلاة و السّلام) ما را در خطّ آنها، در راه آنها
ثابت قدم بدارد، و ان شاء الله بتوانیم در آن [راه] حرکت کنیم.

روز مباهله روز بسیار مهمّی است؛ روز مباهله، هم روز نبوّت است،
هم روز ولایت است؛ ماجرای مباهله، هم برهان بر نبوّت است، هم برهان
بر ولایت و امامت است؛ از این جهت خیلی مهم است این روز. و امیدواریم
که ان شاء الله خداوند متعال ما را در این راه‌های مبارک ثابت قدم بدارد.

از جناب آقای حاج علی اکبری هم تشکر میکنم، هم به خاطر زحماتشان، هم به خاطر مطالبی که اینجا بیان کردند؛ مطالب درست و خوبی است اینهایی که اینجا گفته شد.

آگاهی از اهمیت جایگاه نماز جمعه

من چند مطلب را آماده کرده‌ام، یادداشت کرده‌ام که عرض کنم به شماها برادران عزیز. یک مطلب در مورد جایگاه نماز جمعه است که خود ماها که امام جمعه هستیم اهمیت این کار را بدانیم. وقتی انسان آگاه شد به اهمیت یک شغلی، یک مسئولیتی، آن را بر دیگر کارها مقدم میدارد و به جوانب و اطراف آن بیشتر میرسد؛ هم خودمان بدانیم، هم دیگران بدانند؛ صدا و سیما، مسئولین اینها را بگویند تا مردم بدانند که نماز جمعه صرفاً یک نماز جماعت در یک مسجدی نیست [بلکه] این یک پدیده‌ی بزرگ و مهمی است در یک شهر که حالا من چند مورد از خصوصیاتش را عرض خواهم کرد. اولاً این را عرض میکنیم، بعد هم در این باره یک مقداری صحبت کنیم که فاصله‌ی نماز جمعه‌ی امروز ما با نماز جمعه‌ای که می‌بایست، چقدر است؛ آیا فاصله‌ای وجود دارد یا ندارد که طبعاً فاصله دارد؛ [اینکه] این فاصله را چه جوری پُر کنیم، این مهم است. خب بحمدالله نزدیک هزار یا

نهد و خرده‌ای امامت جمعه در کشور وجود دارد که این خیلی رقم مهمی است؛ در شهرهای بزرگ، کوچک؛ و خب اینها بایستی بتواند کاری بکند کارستان! اگر نماز جمعه‌ی ما — آنچه امروز داریم — همان چیزی باشد که تعریف نماز جمعه است و توقع از نماز جمعه است، خب باید وضع یک قدری بهتر از این باشد؛ یعنی اینکه تفاوت‌هایی باید داشته باشد. بنابراین این هم یک مسئله‌ی ما است که حالا من در خلال عرایض اینها را بیان میکنم و تلاش کنیم این فاصله پُر بشود. حالا این تلاش را چه کسی بکند؟ بخشی از این تلاش به عهده‌ی خود امام جمعه است؛ خود امام جمعه که این تلاش را باید او بکند؛ بخشی هم به عهده‌ی این مسئولین محترمی است که در مرکزیت سیاست‌گذاری و مدیریت جمعی امامت جمعه در تهران یا در مراکز دیگر حضور دارند.

جایگاه و خصوصیات نماز جمعه

اما در مورد جایگاه نماز جمعه، در یک کلمه من عرض کنم: نماز جمعه به خاطر خصوصیاتِی که دارد، یک فریضه‌ی صد درصد استثنائی است؛ ما شبیه نماز جمعه هیچ چیز نداریم. حج که خب یک مجموعه‌ی عظیمی است دیگر، [اما] وقتی در عمق این نماز جمعه، در بطون کار نماز جمعه

وارد میشویم، می‌بینیم با مجموع این خصوصیات حتّی از حج [هم] استثنائی‌تر است. حالا من چند نمونه از این خصوصیات را عرض میکنم، شما فکر کنید، خصوصیات بیشتر پیدا میکنید؛ بخصوص که حالا خودتان با این فریضه مواجهید.

یک خصوصیت این است که دو عامل اساسی حیات طیبّه را نماز جمعه به هم وصل کرده، گره زده؛ این دو عامل چیست؟ یکی ذکرالله، یکی حضور مردمی؛ «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (۲) این حیات طیبّه حالا ارکانی دارد لکن جزو مهم‌ترین ارکانش این دو رکن است: یعنی یکی توجّه به خدا، رو به خدا کردن، آن جنبه‌ی به قول آقایان «یلی الرّبی» (۳) مسئله، یکی هم حضور مردم و اجتماع مردم؛ این دو مورد در نماز جمعه جمع شده‌اند. البتّه در بعضی از واجبات دیگر و فرائض دیگر هم این هست امّا حالا بقیّه‌ی خصوصیات را وقتی با هم جمع میکنیم، می‌بینیم نماز جمعه استثنائی است. خب در نماز جمعه عرض کردیم این دو خصوصیت با هم وجود دارد؛ هم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» است، هم «فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» (۴) است. این، هم صلات است، هم جُمُعَه است؛ صلات، ذکر محض است،

ذکر خالص است، جُمُعه هم که اجتماع مردم است. یعنی این یکی از آن خصوصیات و شاید اولین خصوصیت ممتاز صلات جمعه است.

دوم اینکه این ذکر دسته جمعی موجب میشود که برکات و آثار ذکر بر دسته جمع نازل بشود. ذکر الله آثاری دارد که در قرآن به این آثار اشاره شده

است: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (۵) این گسترش پیدا میکند در مجموع نماز جمعه، وقتی همه با همدیگر ذکر الله میکنند. بنده یک وقتی در ذیل

آیهی شریفه‌ی «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۶) عرض کردم که

حتی اعتصام بحبل الله هم جمیعاً باید باشد؛ «وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ

جَمِيعًا» همه با هم اعتصام بحبل الله بکنیم؛ این اجتماع در اسلام یک چیز

عجیبی است؛ نفس اجتماع و حضور مردمی یک چیز مهمی است،

اینجا است که شما باید حساس باشید. اگر چنانچه نماز جمعه‌ی این

هفته‌تان از نماز جمعه‌ی مثلاً یک ماه قبلتان جمعیت کمتری دارد باید

احساس نگرانی کنید؛ اصلاً اساس کار، حضور مردم است. وقتی

دسته جمعی ذکر گفتیم، آثار و برکات ذکر بر دسته جمع نازل میشود، بر جمع

نازل میشود. در قرآن دارد: فَإِنَّ الذِّكْرَ يُتَفَعُّ الْمُؤْمِنِينَ؛ (۷) این نفع، مال

همه میشود. بله، شما تنهایی هم که خودتان نماز شب میخوانید در اتاق تنها،

[به خاطر] آن هم خدای متعال به شما نفع میدهد اما اینجا این نفع، نفع عمومی است، همه‌ی مجموعه نفع می‌برند. یا «فَاذْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ»؛ (۸) «اَذْكُرْكُمْ»، این عنایت ویژه‌ی الهی، مترتب است بر ذکر؛ اینجا ذکر، ذکر دسته‌جمعی است، پس آن عنایت هم مربوط به جمع میشود. یا «وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۹) و آیات متعدّد دیگری که در قرآن هست که من حالا به همین اندازه توانستم به المعجم‌المفهرس مراجعه کنم، همین چند آیه فعلاً در ذهنم آمد و یادداشت کردم؛ [اگر] مراجعه کنید، آیات زیادی [در مورد] برکات ذکر وجود دارد. این هم یک خصوصیت: ذکر دسته‌جمعی و برکاتش.

خصوصیت بعدی استمرار این حادثه است؛ جلسه‌ی هفتگی. خب حج در عمر یک بار است – این جوری است دیگر – اما این هر هفته اتفاق می‌افتد؛ این خیلی مهم است. تا آنجایی که من اطلاع دارم و یک مقداری تفحص کردم، در هیچ آئینی، در هیچ جایی، اجتماعِ مُلابس (۱۰) با معنویت به صورت هفتگی وجود ندارد که مردم یک شهر یا جمع کثیری از مردم یک شهر، هر هفته یک جایی در یک مرکزی جمع بشوند و گرد هم بیایند؛ حالا محتوای آن گردهمایی چه باشد، مسئله‌ی بعدی است؛ این خیلی خصوصیت مهمی است. اینجا است که رجحان این، از این جهت حتی بر حج معلوم

میشود؛ یعنی پشت سر هم، پی در پی، این هفته، هفته ی بعد، هفته ی بعد، هفته ی بعد تا آخر. خب، این همان مصداقی است از آنچه در دعای کمیل میخوانیم: حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَ أَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا؛ (۱۱) متّصل؛ یک روز باشم یک روز نباشم نه؛ یک جا باشم یک جا نباشم نه؛ متّصل در خدمت باشم: وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا. این اجتماع هفتگی این جوری است؛ این «حالی فی خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا» را تحقّق مبخشد.

خب وقتی یک چنین اجتماعی وجود دارد که هر هفته جمع کثیری از مردم یک شهر در یک جای معینی دُور هم جمع میشوند، این میتواند یک پایگاهی باشد، یک قرارگاهی باشد برای همه ی موضوعات مهم و مطرح یک جامعه. وقتی بنا است همه جمع بشوند، خب افراد چیزی به ذهنشان می آید، حرفی به ذهنشان می آید، جامعه یک نیازی دارد، یک حادثه ای دارد؛ از مسائل فکری تا خدمات اجتماعی تا همکاری های مردمی و تا آمادگی ها و بسیج نظامی، همه چیز در این اجتماع هفتگی مستمرّ پشت سر هم تحقّق پیدا میکند و وجود پیدا میکند؛ یعنی میتواند وجود پیدا کند. یک ظرفیت به این اهمّیت و این عظمت در این کار وجود دارد. بنابراین، این یک گنجینه ی

عظیمی است، یک فرصت فوق العاده ای است که در اختیار من و شما قرار داده شده.

یک خصوصیت دیگری که در نماز جمعه هست عبارت است از آمیختگی معنویت و سیاست؛ چیزی که برای اهل دنیا و افرادی که در امور تأمل ندارند خیلی امر مستبعدی (۱۲) است. سیاست کجا، معنویت و خدا باوری کجا؟ سیاست مبانی ای دارد که به حسب ظاهر، همه ی این مبانی با توجه به خدا و مانند اینها یا منافی است یا مغایر است. آن وقت سیاست را با معنویت مخلوط کردن در یک فریضه، این دیگر هنر اسلام است؛ این هنر اسلام است. در آن روایت حضرت رضا (سلام الله علیه) [آمده که] خطیب جمعه «يُخْبِرُهُمْ بِمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْآفَاقِ وَ مِنَ الْأَهْوَالِ الَّتِي لَهُمْ فِيهَا الْمَضَرَّةُ وَ الْمَنْفَعَةُ»؛ (۱۳) هائل [یعنی] یک امر مهم و بزرگ؛ مسائلی که در عالم میگذرد که یک مساسی (۱۴) با جامعه ی ما دارد، یا به عنوان ضرر یا به عنوان نفع، [خطیب جمعه] اینها را برای مردم بیان میکند. فرض بفرمایید حالا من باب مثال مسئله ی هسته ای، یا فرض کنید جنگ اوکراین — یک مسئله ای است دیگر؛ در دنیا وارد شده — یا مسائل گوناگون سیاستهای شرق و غرب، اینها یک چیزهایی است که با کشور ما، با جامعه ی ما، با زندگی ما و سیاست ما دارای مساس است؛ خب اینها را

خطیب جمعه برای مردم تبیین میکند، تشریح میکند، بیان میکند، درست، با اطلاعات کافی و صحیح؛ یعنی این سیاست را با معنویت [پیوند میزند]؛ هم میگوید «اتَّقُوا اللَّهَ» — حتماً بایستی امر به تقوا در خطبه‌ی نماز جمعه باشد — هم در عین حال سیاست را، این سیاست این جوری، سیاست بین‌المللی، آن لبّ مسائل سیاسی را برای مردم بیان میکند. این هم یک مسئله که [جزو] این خصوصیات است. عرض کردم، خصوصیات دیگری هم البته دارد که حالا من به اختصار برگزار کردم.

نماز جمعه، حلقه ای بسیار مهم در سلسله‌ی قدرت نرم نظام اسلامی

با این مجموعه‌ی خصوصیات وقتی که نگاه میکنیم، به این نتیجه میرسیم که در سلسله‌ی قدرت نرم نظام اسلامی، نماز جمعه یک حلقه‌ی بسیار مهم است، چون امروز آن چیزی که راه‌گشا است و تأثیرگذار است قدرت نرم است؛ قدرت سخت، تیر و تفنگ و مانند اینها، امروز در درجه‌ی بعد قرار گرفته. قدرت نرم، تأثیرگذاری بر دلها و ذهنها و روحیه‌ها، این مهم است. البته زنجیره‌ی قدرت نرم ما زنجیره‌ی طولانی و مفصلی است؛

نماز جمعه یکی از مهم‌ترین حلقه‌های این زنجیره‌ی قدرت نرم محسوب می‌شود؛ وقتی این خصوصیات را نگاه می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم. خب حالا آیا ما توانسته‌ایم در جمهوری اسلامی نماز جمعه را در این جایگاه رفیع بنشانیم یا نه؟ به نظر می‌آید که کوتاهی‌هایی داشته‌ایم. حالا خود من هم که میدانید با شما همکارم در این زمینه؛ ما کوتاهی‌هایی داشته‌ایم در این زمینه. باید همت کنید، همه‌ی ما همت کنیم، این کوتاهی‌ها برطرف بشود. عرض کردیم بعضی‌اش به عهده‌ی خود ائمه‌ی جمعه است، بعضی‌اش به عهده‌ی مسئولین مدیریت کلان ائمه‌ی جمعه است؛ بایستی به این توجه کنیم.

حالا در مورد ائمه‌ی جمعه هم که گفتیم «بعضی به عهده‌ی خود ائمه‌ی جمعه است»، بعضی از چیزها مربوط به منش امام‌جمعه است؛ بعضی از این خصوصیات که باید رعایت بشود تا نماز جمعه در جایگاه خودش بنشیند، مربوط به منش و روش و شیوه‌ی زندگی امام‌جمعه است که حالا من دو سه موردش را عرض می‌کنم. بعضی چیزها [هم] مربوط به خطبه‌ها است؛ بحثی در روش و منش و مانند اینها ندارد؛ محتوای خطبه‌ها میتواند جوری باشد که نماز جمعه را برگرداند به آن مسیر واقعی خودش.

نکاتی درباره منش و روش و شیوهی زندگی امام جمعه

اما در مورد آنچه مربوط به روش امام جمعه است. ببینید برادران عزیز، آقایان محترم! امام جمعه در روز جمعه مردم را امر به تقوا میکند با گفتار خود، من میگویم شما در روز شنبه و یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه مردم را امر به تقوا کنید با رفتار خود؛ وَاَلَا اگر ما روز جمعه دعوت به تقوا کردیم اما روز شنبه یک عملی از ما سرزد که این با تقوا سازگار نیست، این اصلاً بکلی باطل میکند؛ یعنی نه حالا فقط باطل میکند، اصلاً یک اثر بعکس دارد؛ مستمع را سر لج می‌آورد که اینها چه دارند میگویند؛ کمترین کاری که ممکن است بکند این است که دیگر نیاید نماز؛ این کمترین کاری است که میتواند بکند، از این بیشتر هم کارهایی میکنند. پس بنابراین، یک مسئله این است. آمر به تقوا بایستی در امر تحصیل تقوا در خود کوشنده باشد. ببینید، من مراجعه کردم به معجم المفهرس — من حالا متأسفانه مجال این کارها را ندارم؛ سابقها این کارها را با دقت [انجام میدادم]، حالاها دیگر فرصت نیست، یک مروری کردم — دیدم حدود شصت بار کلمه‌ی «اتَّقُوا» در قرآن هست؛ حدود شصت مرتبه خدای متعال به من و شما میگوید «اتَّقُوا»، لکن دو تا از این شصت مورد تکان‌دهنده است. یکی آنجایی که در سوره‌ی آل عمران میفرماید «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ»؛ (۱۵) تقوا

پیشه کنید، آن چنان که شایسته‌ی تقوا است. این خیلی کار بزرگی است. یکی هم آنجایی که در سوره‌ی تغابن میفرماید «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ»؛ (۱۶) این «مَا اسْتَطَعْتُمْ» را حمل بر این نکنید که حالا هر چه توانستید؛ نه، یعنی همه‌ی استطاعت خودتان را به کار ببرید، همه‌ی امکان خودتان را به کار ببرید برای تقوا. خب اینها را ما میدانیم، اینها را میگوییم؛ خدا ان شاء الله دل ما را آماده کند، نرم کند، بتوانیم عمل کنیم به این چیزها. «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ». پس بنابراین، این نکته‌ی اوّل: ما که امر به تقوا میکنیم در خطبه‌ی نماز جمعه، بایستی در مورد رعایت تقوا حدّا کثرِ تلاشمان را بکنیم، هر چه میتوانیم؛ از موارد شبهه اجتناب کنیم، «وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى» (۱۷) کنیم و از این قبیل چیزهایی که حالا الی ما شاء الله هست. این یک خصوصیت که معتقدم در وظایف ما امام جمعه‌ها این معنا وجود دارد.

دوّم، رفتار پدرانه‌ی با همه است. در نماز جمعه‌ی شما همه جور آدمی شرکت میکنند؛ با همه شما پدرانه رفتار کنید، همه فرزندان شما هستند. بله، ممکن است شما به آن جوان انقلابی، جوان مجاهد و جهادگر، علاقه‌ی بیشتری داشته باشید — حق هم همین است، عیبی ندارد — اما آن کسی هم

که این جوری نیست، او هم پسر شما است، او هم فرزند شما است؛ با همه. انسان در داخل خانه‌ی خودش هم ممکن است یک وقت به یکی از بچه‌ها به یک دلیلی علاقه‌ی بیشتری داشته باشد، اما نباید پدری خودش را از دیگران سلب بکند. رفتار پدرانه با همه؛ همه‌ی آنها فرزند شما هستند. این جشن غدیر در تهران (۱۸) خیلی چیز عجیبی بود! نمیدانم شما دیدید یا خیر؛ من خودم در تلویزیون نگاه کردم دیدم؛ بعضی‌ها هم که رفته بودند، آمدند برای ما تعریف کردند. دیدید چه جوری در این جشن میلیونی، همه جور آدمی شرکت کردند؟ اینها طرف‌دار دینند، اینها دوست دارند دین را. بنده یک وقتی در یکی از این سفرهای استانی به جمع علمای محترم آن استان که جلسه داشتیم با آنها، گفتم؛ گفتم امروز یا دیروز که من می‌آمدم، دُور و بُر این ماشین، بین اینهایی که اظهار محبّت میکردند و بعضی‌هایشان گریه میکردند – خب جمعیتی می‌آیند اظهار محبّت میکنند – کسانی بودند که اگر شما مثلاً با آنها برخورد کنید ممکن است احتمال ندهید که اعتقاد به دین هم حتّی داشته باشند، اما این جوری است؛ معتقدند به دین. من حالا در این زمینه حرفهای زیادی دارم و گفته‌ام؛ حالا دیگر مجالش الان اینجا نیست. با همه پدرانه رفتار کنید، همه را سر سفره‌ی دین و معنویّت و شریعت بنشانید؛ این هم یک مطلب.

یک مطلب دیگر [اینکه] رفتار امام جمعه باید مردمی باشد؛ سلوک مردمی. «سلوک مردمی» چیست؟ این است که شما به عنوان یک فردی از مردم بروید بین مردم، با آنها حرف بزنید، از مردم فاصله نگیرید، فقط با یک جمع مخصوص و ممتازی نشست و برخاست نکنید و گاهی [اگر] لازم شد، خانه‌های مردم بروید، زیر سقفشان و روی فرششان بنشینید، با آنها احوالپرسی کنید. صرف این رفتن میان مردم، خود این یک کار مهم است. اینکه حالا بعضی‌ها درباره‌ی بازدیدهای مردمی بسیار باارزش مسئولین یک تعبیرات نامناسبی میکنند، این غلط است، این حقیقتاً انحراف است. رفتن بین مردم، حرف زدن با مردم، گوش کردن به مردم [اهمیت دارد]. ممکن است آن حرفی را که او میزند شما قبول هم نداشته باشید؛ اما گوش کنید. عیبی هم ندارد که بعد بگویید خب من این را قبول ندارم؛ ایرادی ندارد، اما بگذارید بگوید. این هم یک موضوع که مسئله‌ی رفتن به [میان] مردم است. البته مردم می‌آیند توقعاتی از امام جمعه مطرح میکنند که مسئولش امام جمعه نیست، مسئولش فلان دستگاه دولتی است، فلان دستگاه قضائی است؛ به جای اینکه به آنجا مراجعه کنند، به امام جمعه که دم دستشان است مراجعه میکنند؛ البته این هست، میدانم، بنده

خودم هم بوده‌ام، دیده‌ام، مشکل درست میکند برای امام جمعه؛ اما باید گفت به مردم که خب اینها کارهای ما نیست، مثلاً مسئولین مشخصی دارد؛ اما در عین حال اگر مراجعه شد، گوش کنند. حالا البته این را هم حتماً بگوئیم که شبکه‌ی امامت جمعه تا امروز جزو مردمی‌ترین نهادهای انقلاب است؛ این هم معلوم باشد؛ یعنی باز وقتی انسان نگاه میکند به مجموعه‌ی نهادهای انقلابی – که خب بحمدالله برکاتشان زیاد است – یکی از مردمی‌ترین شبکه‌های انقلابی شبکه‌ی ائمه‌ی جمعه است.

یک توصیه‌ی دیگری که خیلی مهم است، ارتباط با جوانها است. برای این کار باید بنشینید ساز و کار فراهم کنید؛ یعنی ارتباط با جوانها این جوری نمیشود که بگوئید جوانها بیایید، آنها هم بلند شوند بیایند! باید بنشینید فکر کنید راهکار پیدا کنید، ساز و کار باید پیدا کنید. امروز در سرتاسر کشور، مجموعه‌های خودجوش و گمنام و کم‌هزینه و بی‌ادعائی وجود دارند که کار فرهنگی میکنند، کار اجتماعی میکنند، خدمات ارائه میدهند، همه جای کشور هستند. بنده چون علاقه‌ی به این مجموعه‌ها دارم – گاهی تماس میگیرند یک چیزی میگویند، یک چیزی میخواهند – میدانم الان سرتاسر کشور و تقریباً در همه‌ی شهرها، شهرهای بزرگ، کوچک، مجموعه‌های این جوری وجود دارند؛ اینها را در شهر خودتان جستجو کنید،

پیدا کنید، به آنها کمک کنید، دست نوازش به سرشان بکشید؛ اینها یک مجموعه‌ی جوانند. با جوان دانشجو، با جوان حوزوی — امروز در اغلب شهرهای ما، هم دانشگاه هست، هم حوزوی علمیّه هست؛ خب همه‌ی اینها جوانند دیگر — با این جوانها بنشینید صحبت کنید، بروید داخل مجموعه‌هایشان، بروید در مدرسه‌شان، در دانشگاهشان، با آنها حرف بزنید، آنها را دعوت کنید؛ یعنی ارتباط با جوانها برای خود امام جمعه هم مفید است و فایده‌ی معنوی دارد؛ چون نسلها طبعاً زبان جدید و فکر جدید و ادبیّات جدیدی معمولاً تولید میکنند — طبیعت قضیه این است — دور نمانید از این حرکت جدید جوانها. وقتی رفتید داخل اینها و با اینها انس پیدا کردید، با زبان اینها، با ادبیّات اینها، با اصطلاحات اینها بیشتر آشنا میشوید؛ این خیلی کمک میکند به شما برای ارتباط‌گیری با اینها. بخصوص با مجموعه‌های بسیجی، با این بچه‌های خوب که در همه‌ی استانها و در همه‌ی شهرها هستند، نشست و برخاست کنید.

یک جهت دیگر که توصیه‌ی ما است، شرکت در خدمات اجتماعی مردمی است که خب بعضی از ائمه‌ی محترم جمعه انصافاً در این زمینه‌ها خوب درخشیدند. در زلزله، در سیل، در قضیه‌ی کرونا، در جمع

کردن خدمات اجتماعی، کمکهای مردمی، کمکهای مؤمنانه، در مسائل گوناگون دیگر، ائمه جمعه وارد میدان شدند و کار کردند. این هم یکی از آن کارهایی است که به نظر ما خیلی خوب است. کمک به طبقات محروم و کمک به مستضعفان و محرومان جزو کارهای لازم شما باشد؛ یعنی ما طرفدار عدالتیم، پرچم عدالت را بلند میکنیم، لکن عدالت بدون کمک و رسیدگی به طبقه‌ی مستضعف و محروم و مانند اینها معنا ندارد؛ اگر شما بتوانید کمکی را برای طبقات محروم در آن مجموعه‌ی خودتان فراهم کنید، این جزو بهترین کارها است.

یک نکته‌ی دیگر نظارت بر این ستادها است. البته من از ستادها واقعاً باید تشکر کنم؛ این ستادهای نماز جمعه در سرتاسر کشور خیلی زحمت میکشند، خیلی کار میکنند، خیلی تلاش میکنند. با اینها همراه باشید و کارهایشان را ببینید، کارهایشان را نظارت کنید و از سلامت اینها خاطر جمع شوید. البته خوبند، مردمان خوب، مؤمن، لکن حالا بالاخره همه جا یک چیزهایی ممکن است موریانه‌وار دخالت بکند؛ مراقب این هم باشید.

یک نکته‌ی دیگر و تذکر دیگری که بنده بارها قبلاً هم گفته‌ام این را، [این است که] از ورود در فعالیتهای اقتصادی اجتناب کنید؛ اینکه

امام جمعه به این مناسبت که «نماز جمعه‌ی ما به پول احتیاج دارد، به درآمد احتیاج دارد، درآمدی نداریم»، پس بایستی مثلاً فلان فعالیت اقتصادی را داشته باشد، فکر درستی نیست. بعضی از آقایان محترم ائمه‌ی جمعه وارد فعالیت اقتصادی شدند و بلد نبودند، شکست خوردند، دیگران سوء استفاده کردند، وزر و وبالش به گردن نظام ماند، بعضی‌ها هنوز هم ادامه دارد! مطلقاً وارد مسائل اقتصادی نشوید. اداره‌ی تشکیلات روحانیت با مردم است. آقایان! بعضی‌ها ننگشان میکند که بگویند حوزه‌های علمیه از مردم ارتزاق میکنند؛ این ننگ نیست، این افتخار است؛ این یعنی احتیاج به دولتها و به قدرتها ندارند. این یک امتیاز بزرگی است، لذا راحت میتوانند کنار مردم بایستند. شما ببینید در قضایای مختلف، حوزه‌های علمیه در کنار مردم قرار گرفتند، کنار مردم ماندند، با دولتها و قدرتها رودربایستی نداشتند. اگر در بین روحانیون کسانی بودند که در یک موقوفه‌ای یا در یک جایی ارتباط داشتند، نتوانستند [کنار مردم بایستند] و عقب ماندند. نه، ما مرتزقه‌ی (۱۹) مردم هستیم، هیچ اشکالی هم ندارد. نماز جمعه هم همین جور است؛ مردم باید کمک کنند و کمک هم میکنند. وقتی شما فعالیت اقتصادی میکنید و دگانه درست میکنید و کارهایی مانند اینها،

مردم میگویند «خب، اینها که دارند»، نه فقط کمکتان نمیکنند، از شما توقع هم پیدا میکنند. خب، حالا اینها چند نکته در مورد منش امام جمعه.

نکاتی در مورد خطبه های نماز جمعه

چند مورد هم در مورد خطبه ها عرض بکنیم. اولاً توجه بشود که خطبه ی نماز جمعه و خطیب جمعه سخنگوی انقلاب اسلامی است؛ تمام! هیچ کسی غیر از این توقع از خطیب جمعه نباید داشته باشد؛ سخنگوی انقلاب اسلامی است، تبیین کننده ی مبانی انقلاب است، مطالبه کننده ی مطالبات انقلاب است، مال انقلاب است؛ همیشه هم همین جور بوده، در طول تاریخ هم همین جور بوده. هنر بزرگ خطیب جمعه این است که بتواند مفاهیم معرفتی و مفاهیم انقلابی را متناسب با نیازهای روز بازتولید کند. خیلی از مفاهیم انقلاب هست که ما یک روز شعارش را دادیم، دنبالش هم بودیم و هستیم، اما امروز همان مفاهیم باید با ادبیات جدید، با ادبیات مناسب امروز، تبیین بشود و بازتولید بشود. هنر امام جمعه این است که بتواند مسئله ی عدالت را، مسئله ی استقلال را، مسئله ی حمایت از مستضعفین را، مسئله ی پیروی از شریعت را، این چیزهایی را که جزو اصول و مبانی انقلاب

است، این مفاهیم عالی را بتواند بازتولید کند با زبان امروز و با زبان نسل جوان؛ سخنگوی انقلاب.

خطبه‌ها بایستی پُر مغز باشد، آموزنده باشد، پاسخ به سؤالات مردم باشد. سؤالاتی وجود دارد که در خطبه بدون اینکه شما اشاره کنید به سؤال، میتوانید پاسخ آن سؤالی را که در ذهن مردم هست بیان کنید.

ادبیات خطبه باید گرم باشد، صمیمی باشد، اتحادآفرین باشد، امیدبخش باشد؛ ادبیات خطبه باید امیدبخش باشد. هر کلمه‌ای که شما در خطبه ایراد میکنید میتواند مصداق این آیه‌ی شریفه باشد که «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ»، (۲۰) میتواند هم مصداق اضطراب و دغدغه باشد؛ حالا دغدغه بد نیست، اما میتواند مصداق اضطراب و تلاطم روحی و بدینی به وضع و بدینی به آینده و مانند اینها باشد؛ هر دو جور میشود حرف زد. باید امیدآفرین باشد، بصیرت‌آفرین باشد. میتواند هم حاشیه‌ساز باشد؛ یک چیزی ما بگوییم که مستمسکی بشود برای دشمن شما و معاند شما که آن را دست بگیرد و علیه شما حرف بزند.

یکی از نکات در خطبه‌ها این است که بتواند با شبهه‌پراکنی‌های دائمی دشمن مقابله کند. ببینید، عرض کردم امروز میدان رزم میدان رزم قدرت نرم است و قدرت نرم دشمن شبهه‌پراکنی است. «شبهه‌پراکنی» یعنی چه؟ یعنی ما یک ملت داریم که این ملت آمدند با اعتقاد و ایمان کامل پای انقلاب ایستادند، جان دادند، زحمت کشیدند، خودشان را به زحمت انداختند، انقلاب را به پیروزی رساندند، بعد هشت سال در یک جنگ تحمیلی ایستادگی کردند، بعد هم در مقابل فتنه‌هایی که تا امروز وجود داشته ایستاده‌اند، هر جا لازم بوده حضور پیدا کرده‌اند؛ مردم این جوری هستند دیگر؛ خب حالا اگر چنانچه دشمن بخواهد این دژ مستحکم را از بین ببرد یا رخنه در آن ایجاد کند، باید چه کار کند؟ باید در این ایمان خدشه کند، باید در این ایمان مناقشه کند؛ این با شبهه‌افکنی به وجود می‌آید. شبهه را دست‌کم نباید گرفت. بودند افرادی که در مقابل نیزه و شمشیر ایستادند، در مقابل شبهه و تردید زمین افتادند، نتوانستند بایستند؛ دیدیم ما افراد این جوری را. در میدانهای نبرد با قدرت، با شجاعت ایستادگی کردند اما یک شبهه‌ای برایشان پیش آمد، نتوانستند حل کنند، زمین خوردند؛ شبهه این جوری است.

هدف دشمنان از شبهه پراکنی

هدف از این شبهه پراکنی هم این است که مردم را که نیروهای اصلی کشورند و ایمان مردم را که عامل اصلی در حفظ کشور و حفظ نظام اسلامی است، متزلزل کنند. خب اینها از روی دشمنی است دیگر؛ یعنی جمهوری اسلامی کار بزرگی کرده در مقابل غرب. حالا این چیزها یک چیزهایی است که گاهی گفته میشود، تکرار میشود و از دهن می افتد؛ یعنی درست به مغز و محتوای مطلب توجه نمیشود؛ گاهی هم با بیان خوبی گفته نمیشود اما یک واقعیت عجیبی وجود دارد: [اینکه] جمهوری اسلامی داعیهی دویست سیصد ساله‌ی غرب را با حضور خودش و وجود خودش باطل کرده.

نقطه‌ی مرکزی هویت تمدن غربی عبارت است از تفکیک میان دین و پیشرفت؛ این نقطه‌ی مرکزی است: اگر میخواهید پیشرفت کنید، دین را باید کنار بگذارید؛ حالا [به طور] شخصی یک اعتقادی داشته باشید اشکال ندارد، اما دین را در مسائل زندگی نباید دخالت بدهید، اگر میخواهید پیشرفت کنید؛ این نقطه‌ی اساسی و مرکزی هویت تمدن غربی است.

جمهوری اسلامی درست نشانه گرفته همین مرکز را و شلیک کرده و به هدف زده.

جمهوری اسلامی با شعار دین وارد میدان شده، علاوه بر اینکه توانسته خودش را حفظ کند، توانسته رشد کند، توانسته این منطق را منتشر کند، توانسته ریشه دار کند؛ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ؛ (۲۱) همین آیه ای که تلاوت کردند. جمهوری اسلامی با وجود خودش، با حضور خودش ابطال کرده، به چالش کشیده هویت مرکزی تمدن غربی را. خب عصبانی اند دیگر؛ اینها عصبانی اند. حقیقت قدرتهای غربی یک مافیا است که در رأس این مافیا صهیونیست ها و تجار برجسته ی یهودی و سیاستمداران تابع اینها هستند، آمریکا هم ویتترین شان است و همه جا پخشند؛ قدرت غربی این است؛ خب این نمیتواند تحمل کند این را. هر روز به فکر این است که یک کاری بکند، یک ضربه ای بزند به جمهوری اسلامی.

مثالی از شبهه پراکنی های غربی ها: مسئله ی زن در جامعه ی اسلامی

من یک مثال بزنم که حالا این روزها هم مطرح است: مسئله ی زن در جامعه ی اسلامی. البته از اوّل انقلاب مسئله ی زن را مطرح میکردند؛ ادّعای گزاف میکردند که از زن ایرانی میخواهند حمایت کنند و مانند اینها. باز اخیراً هم به بهانه ی حجاب و مانند اینها باز قضیه ی زن را مطرح کردند و همان تلاشهای در واقع ناکام را دوباره دارند تکرار میکنند. خب، حالا یک وقتی چند سال قبل در یک جمع یک نفر از من پرسید که شما در قضیه ی زن در مقابل غرب چه دفاعی دارید؟ من گفتم من دفاع ندارم، من حمله دارم! آنها باید دفاع کنند، آنها باید جواب بدهند. زن را تبدیل به کالا کردند. دفاع؟ من دفاع نمیکنم. ما مدّعی هستیم در قضیه ی زن. خب حالا مسئله چیست؟ اینکه شما می بینید ناگهان وسایل تبلیغاتی و رسانه های رسمی و دولتی آمریکا و انگلیس و بعضی جاهای دیگر و مزدورانشان و دنباله روانشان ناگهان هجوم می آورند در یک برهه ای سر قضیه ی زن و یک بهانه ای هم پیدا میکنند [مثل] مسئله ی حجاب و مانند این چیزها، علّتش چیست؟ چرا این کار را میکنند؟ آیا اینها واقعاً میخواهند از حقوق زن، و زن ایرانی دفاع کنند؟ اینها مگر همان کسانی نیستند که اگر میتوانستند آب را به

روی این مَلّت ببندند می‌بستند؟ اینها دلشان برای زن ایرانی سوخته؟ اینها داروی کودکانی را که دارای بیماری پروانه‌ای هستند – کودکان – ممنوع کردند، تحریم کردند؛ تحریم همه‌جانبه‌ی مَلّت ایران. اینها دلسوز زن ایرانی‌اند؟ کسی ممکن است این را باور کند؟

پس قضیه چیست؟ حقیقت مسئله این است که زنِ باشرف و با استعداد ایرانی یکی از بزرگترین ضربه‌ها را به تمدن غرب زده. اینها دلشان پُر است؛ [این کار را] زنها کردند. غیر از مجموع حرکت جمهوری اسلامی، بخصوص زن ایرانی یکی از مهم‌ترین ضربه‌ها را به داعیه‌های غربی و دروغهای غربی وارد کرده. چطور؟ اینها سالها است – دو‌یست سال است – که میگویند زن اگر چنانچه از قیود اخلاقی و شرعی و مانند این چیزها رها نشود نمیتواند پیشرفت کند، نمیتواند به مقامات عالی علمی و سیاسی و اجتماعی و غیره برسد؛ این جوری دارند میگویند. شرط رسیدن زن به رتبه‌های بالای اجتماعی و سیاسی و غیره این است که این قیود اخلاقی را رها کند.

زن ایرانی این را در عمل تکذیب کرده؛ زن ایرانی در همه‌ی میدانها با موقّعیّت و سربلندی و با حجاب اسلامی ظاهر شده. اینها رجزخوانی

نیست، اینها واقعیتهای محسوس جامعه‌ی ما است. ورودی‌های دانشگاه‌های ما یا پنجاه درصد یا بیش از پنجاه درصد دخترهای ما هستند، زنهای ما هستند. در مراکز علمی حسّاس و مهم که بنده از بعضی از آن مراکز خودم شخصاً بازدید کردم، زنان دانشمند ما آنجا نقش آفرینند. در میدان ادب، ادبیات، شعر، رمان، شرح حال‌نویسی، زنها جزو برجسته‌ترین‌هایند. در میدان مسابقات ورزشی – واقعاً گاهی انسان قدرت تحسین این شخصیت‌ها را ندارد به اندازه‌ای که شایسته‌ی آن هستند – دختر ایرانی روی سگّوی اوّل مسابقات ایستاده، پرچم و سرود ملی ایران را در مقابل چشم صدها میلیون تماشاچی تلویزیون‌های دنیا بالا برده، با حجاب است، با آن مردی که می‌آید به او مدال بدهد دست نمیدهد، یعنی حدّ شرعی را رعایت میکند؛ این چیز کمی است؟ در میدان سیاسی، من یک مورد را ذکر میکنم. زمان شوروی سابق، در یکی از مهم‌ترین پیام‌بری‌های سیاسی (۲۲) بین دو کشور، امام یک هیئت سه نفره فرستادند که یکی‌شان زن بود؛ (۲۳) یک زن قدرتمند که رحمت خدا بر او باد! در مسئولیتهای مدیریت کشوری، زنان ما با حجاب، با چادر، بهترین مدیریتهای را در آن بخش خودشان انجام دادند. در مسائل علمی، در مسائل ادبی، در مجریان صداوسیما، بهترین مجریان. در میدانهای مختلف، زن ایرانی حضور پیدا کرده، در بالاترین سطوح قرار

گرفته، با حجاب اسلامی، با رعایت حجاب؛ این خیلی چیز مهمی است. این باطل‌کننده‌ی یک زحمت و تلاش دویست سیصد ساله‌ی غرب است؛ نمیتوانند تحمّل کنند، عصبانی میشوند، خودشان را به در و دیوار میزنند تا بتوانند یک کاری بکنند؛ آن وقت میچسبند به قضیه‌ی حجاب، میچسبند به یک مورد و بنا میکنند تبلیغات کردن. ببینید، عامل این شبهه‌افکنی‌ها این است و تظاهر دشمن هم آن است که مشاهده میکنید و می‌بینید. به هر حال، اینها چیزهای مهمی است.

آن طور که به ما گزارش دادند، در این هفته در خیلی از خطبه‌های نماز جمعه مسئله‌ی حجاب مطرح شد؛ همین مسائل جاری روز که در فضای مجازی و مانند اینها هم هست، در بعضی روزنامه‌ها هم هست، در خیلی از خطبه‌ها هم مطرح شد. خب، در این زمینه‌ها خیلی باید متین، منطقی و دور از احساسات بی‌مورد برخورد کرد. حالا احساسات چیز خوبی است، چیز بدی نیست، اما اعمال احساسات جا دارد. بالاخره شما در این جور موارد، آن منطق استعماری غربی را که آتش‌بیار معرکه است و دست او مشغول کار است، افشا کنید؛ آن را افشا کنید، آن را با دلایل روشن برای مردم تبیین کنید. حالا غربی‌ها، هم در سطوح رسانه‌های

بزرگ دولتی‌شان، هم این پادوهای حقیرشان، کارهایی میکنند؛ عیبی ندارد، شما با اینها روبه‌رو نشوید، با اینها مواجه نشوید؛ شما اصل مطلب را بر تبیین برای مردم [بگذارید]. البتّه این توصیه‌ی کلی است؛ اینکه عرض کردیم با متانت برخورد بشود و دچار زیاده‌روی نشویم، در خیلی از موارد دیگر هم هست؛ یک ناهنجاری‌ای هست که امام‌جمعه به هر دلیلی لازم میدانند این را مطرح کند؛ خب، شناخت از وضعیّت شهر و مردم و ذهن و مانند اینها او را به این نتیجه میرساند، اشکالی ندارد؛ منتها کیفیّت طرح باید کیفیّت مناسب جایگاه امام‌جمعه باشد؛ یعنی هم اتقان، هم متانت.

جهاد تبیین را جدّی بگیرید، شبهه‌زدایی از ذهن مخاطبین را جدّی بگیرید. شبهه از جمله‌ی چیزهایی است که عرض کردیم مثل موریانه است؛ دشمن به این موریانه‌ها دل بسته. شبهه ویروس است، مثل همین ویروس کرونا؛ وقتی که وارد شد، خارج شدنش مشکل است، جزو بیماری‌های مسری هم هست، سرایت هم میکند. البتّه اینکه گفتم «بعضی‌ها در مقابل تیر و شمشیر ایستادند، در مقابل شبهه نتوانستند بایستند»، در این یک مقداری هم دنیاطلبی نقش دارد؛ این را هم نباید از نظر دور داشت.

دنیا چیست؟ دنیای هر کسی فرق میکند؛ یکی دنیایش مال است، یکی دنیایش مقام است، یکی دنیایش شهوات جنسی است؛ اینها دنیاهای افراد مختلف است، اینها همه دنیا است. ممکن است توجیه هم درست کند برای خودش در این دنیا طلبی، اما دنیا طلبی است دیگر؛ اینها هم تأثیر دارد.

پس بنابراین، درباره‌ی خطبه عرض کردیم خطبه‌ی نماز جمعه باید مرکزی باشد برای تبیین محتوای قوی و منطق محکم و غنی برای مسائل مهم انقلاب، مثل مسئله‌ی عدالت. مسئله‌ی عدالت خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ روی مسئله‌ی عدالت فکر کنید، کار کنید، حرف بزنید. [همچنین] روی مسئله‌ی استقلال؛ استقلال خیلی مسئله‌ی مهمی است. مسئله‌ی حمایت از مستضعفان، مسئله‌ی اتحاد دنیای اسلام، اینها مسائل بسیار مهمی است. و به مردم بصیرت بدهید.

البته این حرفها و این عرایضی که عرض کردیم، در مورد سخنرانی‌های محرم هم که حالا در پیش است صادق است و [باید] جوری باشد که نتیجه‌اش را در اجتماع نماز جمعه ببینید؛ یعنی اگر آن کاری که شما میکنید کار موقفی باشد، بایست خودش را در اجتماع نماز جمعه‌ی شما نشان بدهد. اگر چنانچه دیدید این کارهایی که انجام دادید در جذب مخاطب تأثیری نداشته، بدانید یک نقصی در کار هست؛ نقص را پیدا کنید و نقص را برطرف کنید.

نمیشود عدم توجه‌ها را مستند کرد به اینکه مردم مثلاً نسبت به مسائل دینی و مانند اینها کم اعتقادند؛ خیر. بعضی‌ها میگویند از این حرفها! واقعاً به نظر میرسد فکر نکرده حرف میزنند که آقا مردم دینشان چنین شده، اعتقاداتشان ضعیف شده؛ خیر، ابداً! ضعیف نشده. شما همین مسئله‌ی جشن غدیر را ببینید، این جلسات سخنرانی‌های عظیم محرم و صفر را در شهرهای مختلف ببینید؛ اینهایی که شرکت میکنند چه کسانی هستند؟ اینها همین مردمند دیگر. جلسات مرثیه‌خوانی و روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی را ببینید، راه‌پیمایی اربعین را ببینید؛ اینها چه کسانی هستند؟ اینها همین مردمند دیگر. دین مردم، ایمان مردم، دین‌داری مردم ضعیف نشده، قوی‌تر هم شده، منتها ممکن است مثلاً جلسه‌ی این حقیر یا نماز این حقیر جوری باشد که نتوانم جذب کنم این مردم مؤمن را؛ این را به حساب بی‌دینی مردم نباید گذاشت. بعضی‌ها همین طور میگویند که آقا مردم چنین شدند یا مثلاً اعتقاداتشان ضعیف شده؛ نه، ضعیف نشده؛ مردم همچنان از قبل از انقلاب – ما قبل از انقلاب را دیدیم؛ حالا اغلب شماها ندیدید قبل از انقلاب را – هم اجتماعاتشان بهتر است، هم کمکهای مالی‌شان به حوزه‌های علمیه بیشتر و چندین برابر است، هم حضورشان در خدمات

اجتماعی دینی بیشتر و مهم تر است. مردم در میدانند؛ ما باید خودمان را از میدان کنار نکشیم.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، آنچه گفتیم و شنیدیم برای خودت و در راه خودت قرار بده، به ما اخلاص عنایت کن، آن را از ما قبول بفرما. پروردگارا! ما را عامل به گفته های خودمان قرار بده، روح مطهر امام بزرگوار (رضوان الله تعالی علیه) که این راه را به روی ما او باز کرد و روح مطهر شهدای عزیز ما را که در این راه مجاهدت کردند و سرمایه ی عمر خودشان را با خدا معامله کردند، با ارواح طیبه ی شهدای صدر اسلام و ائمه ی هدی (علیهم السّلام) محشور بفرما، ما را هم به آنها ملحق کن.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج‌علی‌اکبری (رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی جمعه) گزارشی ارائه کرد.

(۲) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۹۷: «... قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیاتِ [حقیقی] بخشیم...»

(۳) اشاره به اصطلاح «یلی الحق» در عرفان؛ که به بُعد معنوی و حقیقت وجودی انسان و تمام ابعاد الهی او می‌پردازد.

(۴) سوره‌ی جمعه، بخشی از آیه‌ی ۹: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به سوی ذکر خدا بشتابید...»

(۵) سوره‌ی رعد، بخشی از آیه‌ی ۲۸: «... آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد.»

(۶) سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۰۳: «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید...»

(۷) سوره‌ی ذاریات، بخشی از آیه‌ی ۵۵: «... مؤمنان را پند سود بخشد.»

(۸) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۵۲: «پس مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم...»

(۹) از جمله سوره‌ی انفال، بخشی از آیه‌ی ۴۵ و سوره‌ی جمعه، بخشی از آیه‌ی ۱۰: «... و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید.»

(۱۰) همراه، ملازم

(۱۱) مصباح‌المتهجد، ج ۲، ص ۸۴۹

- (۱۲) بعید، دور از واقعیت
- (۱۳) وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۴۴
- (۱۴) ارتباط، تماس
- (۱۵) سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۰۲
- (۱۶) سوره‌ی تغابن، بخشی از آیه‌ی ۱۶
- (۱۷) سوره‌ی نازعات، بخشی از آیه‌ی ۴۰؛ «... و نفس [خود] را از هوس، بازداشت.»
- (۱۸) اشاره به جشن مردمی عید غدیر در خیابان ولی‌عصر تهران که در قالب راه‌پیمایی ده کیلومتری از چهارراه ولی‌عصر تا چهارراه پارک‌وی با حضور بیش از سه میلیون نفر از مردم برگزار شد.
- (۱۹) آنان که وجه ارتزاق دریافت میکنند.
- (۲۰) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۴؛ «او است آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فروفرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند...»
- (۲۱) سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۴؛ «آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است...»
- (۲۲) تحویل نامه‌ی تاریخی امام خمینی (قدس سرّه الشریف) به میخائیل گورباچف (آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی)
- (۲۳) خانم مرضیه‌ی حدیده‌چی دباغ